

سخنگوی هیات‌رئیس‌ه مجلس در واکنش به شائبه‌هک فهرستی از حقوق‌نمایندگان منتشر کرد

شفافیت اجباری حقوق و مزایای بهارستانی‌ها

صفحه ۲



تحلیلی بر نقدهای منتشرشده بر «نه به خاتمی، سلام به واقعیت»

توپ در زمین خاتمی است

ولادت حضرت ابوالفضل(ع) و روز جهانی آزادی

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی، صبح ایران

صدای تغییرگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه

۵۰۰۰ تومان

فصل جدید: یاد و موضوع: روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۲۸۱۸

چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

۲۰ شنبان ۱۳۴۵

۲۰۱۴ فوریه ۲۰۱۴

شماره ۲۰۸۰

14 Feb | Wed | 16 Pages



جشنواره موسیقی فجر با حضور پررنگ خواننده‌های مشهور به فرهنگسراهای جنوب شهر تهران رسید

ستاره‌های موسیقی در نازی آباد

صفحه ۱۵

حبیب رحیم پور و مصطفی زالی در میزگرد «فرهیختگان» از امکان «دانشگاه ملی» می‌گویند

تولد حقیقت دانشگاه با تثبیت انضباط علمی

۱۶، ۱۵، ۱۶

گزارش وزارت علوم نشان می‌دهد دوره‌های مهارت‌افزایی دانشگاه‌ها حدود یک‌چهارم سال گذشته بوده است

مرثیه‌ای برای مهارت‌افزایی

۴

دکتر طهرانچی:

تربیت مبتنی بر روایت تاریخ، بخشی از رسالت نظام تعلیم و تربیت است

۳

امکان نظارت بر حکمرانی بر مردم ثابت شده است

متن سخنرانی سخنگوی دولت در نشست علمی تبیینی ویژه دهه مبارک فجر دانشگاه آزاد اسلامی

شخص پادشاه‌نصب می‌شدند و توسط شخص پادشاه عزل می‌شدند. نکته مهم اینکه قوانین آنچنانی هم ناظر به شرایط و کیفیت انتخاب در حوزه مقامات وجود نداشت. محدود کرسی‌هایی که به صورت انتخابات انجام می‌شد، کرسی نمایندگی مجلسین بود، مجلس شورای ملی و مجلس سنا و همچنین بخشی از کرسی‌های نمایندگی در انجمن‌های ایالتی ولایتی بود. بد نیست به خاطرات افرادی که در آن دوران سمت داشتند اشاره کنم. فردوست در خاطرات خود اشاره می‌کند نمایندگان مجلس بانظر حاکمیت تعیین می‌شدند. محمدرضا دستور داد که با منصرف کمیسیون سه نفره برای انتخاب نمایندگان مجلس تشکیل دهم. هر روز منصور بایک کیف پر از اسامی به دربار می‌آمد و اسامی را می‌خواند و علم هر که را می‌خواست دستور تأیید می‌داد و هر که را می‌خواست حذف می‌کرد و منصور با جمله اطاعت می‌شود اسم را حذف می‌کرد. علم می‌گوید در کلیه سطوح انتخابات، شانظر خود را تحمیل می‌کرد و نامزدهای خود را از صندوق‌های بیرون می‌آوردند. مثل اینکه رأی دهندگان کوچک‌ترین حقی در آن نداشتند. مرحوم شهید مدرس در انتخاب مجلس هفتم حتی رأی هم نیاورد که به کنایه می‌گفت حداقل خودم که به حوزه رأی دادم، آن یک رأی چه شد. نمایندگان مجلس هفتم معروف بودند به نمایندگان مجلس رضاشاهی؛ چرا که در حوزه‌های انتخابیه رأی نمایندگان که شاه می‌خواست نماینده مجلس شوند از تعداد واجدان شرایط در آن حوزه بیشتر بود. مثلاً شیخ تهرانی که نفر اول شده بود در تهران بیش از ۱۰۰ درصد افرادی که قابلیت شرکت در انتخابات را داشتند به او رأی داده بودند. در انتخاب مقامات ارتش هم نکات زیادی هست. مادر فرح دیبیار در کتاب خاطرات خود نقل می‌کند در مراسم مهمانی رسمی می‌دیدم که چطور افسران عالی‌رتبه ارتش دست پاکش محمدرضا را می‌بوسیدند. ارتش یک تشکیلات نمایشی بود. ارتش همه چیز داشت به جز افراد زنده و باغیرت. این وضعیت ادامه اوهره و نقش واقعی مردم در اداره کشور بود. محدود کرسی‌هایی هم که انتخاباتی است تحمل نمی‌شود و دربار به اعتراف خود درباریان، انتخاب‌کننده آن کرسی‌ها بودند. بازگویی در قانون اساسی در دوران پهلوی که خودش غصه‌ای است که براساس نظر شاه قانون اساسی اصلاح می‌شود. حتی همین مجلس فرمایشی را هم تحمل نمی‌کنند. رضاشاه مجلس را طوله خطاب می‌کرد. اعلی حضرت هم‌این شاهنشاهی می‌تواند هر یک از مجالس سنا و شورای ملی یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل نماید. مضحک‌تر اینکه طبق قانون اساسی فرزندی از شاه می‌تواند به پادشاهی برسد که ایرانی‌الصل باشد و از مادر ایرانی‌الصل متولد شده باشد. چون محمدرضا شاه فوزیه را گرفته بود، لایحه تکمیلی می‌دهند به مجلس - که مجلس فرمایشی را این‌گونه می‌شود شناخت - که ایرانی‌الصل یعنی چه؟ پادپر و مادرش ایرانی باشند یا مجلس به او اعطای عنوان ایرانی‌الصل داده و صفت ایرانی‌الصل را به فوزیه اعطای می‌کنند که او امکان استفاده از اصل ۱۳۷ قانون اساسی را داشته باشد. جالب اینکه مجلس به اتفاق آرا آن را تصویب می‌کنند. بسیار مضحک و گریه‌آور است که به اتفاق آرا این تصویب می‌شود. اینها نشان می‌دهد قانون اساسی وجود خارجی نداشته و دست‌خوش اراده سلطنت بوده و هم نشان می‌دهد محدود کرسی‌های انتخاباتی، کرسی‌های نمایندگی نبودند و کرسی‌های نمایندگی پادشاه بودند. در اصل ۲۹ قانون اساسی، پادشاه خود امکان توتی مصوبات را هم می‌دهد. با اصلاح ماده ۲۸ قانون اساسی اگر ولعهد به سن قانونی نرسیده بود نایب‌السلطنه شهربانو می‌شود، یعنی مادر ولعهد. درحالی‌که پیش از او نایب‌السلطنه باید مجلس انتخاب می‌کرد. مجلس صلاحیت‌های خود را با اتفاق آرا می‌گیرد و به پادشاه می‌دهد. علاوه بر روایت‌های تاریخی، این اسناد حقوقی هم به خوبی وضعیت فجع حکمرانی را نشان می‌دهد. این فضای حکمرانی نشان می‌دهد در آن دوره سلطنت مطلقه بوده نه مشروطه.

ادامه در صفحه ۶

انا لله و انا الیه راجعون

همکار ارجمند جناب آقای دکتر سیدعلیرضا مهدویانی

رئیس محترم بخش کودکان بیمارستان مسیح دانشوری

خبر درگذشت والده گرامی‌تان موجب تألم و تألیف گردید. ضمن تسلیت این مصیبت، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه غفران و رحمت واسعه الهی و برای شما و سایر بازماندگان محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسالت می‌نمایم.

علی اکبر ولایتی

دادن به متن قانون اساسی شرکت کردند. این یک نوآوری در نظم‌های حقوقی حتی دنیای مدرن و کشورهای مردم‌سالار است. مسأله بعدی اینکه در فرآیند تدوین و تصویب قانون اساسی وقتی می‌خواهد شعار جمهوری اسلامی محقق شود، نقش مردم بسیار پررنگ و واقعی است. عموم نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف جهان صرف نظر از کشورهای پادشاهی مثل خیلی از کشورهای همسایه خردمان مثلادر جنوب و حاشیه خلیج فارس، وقتی می‌خواهند قانون اساسی را به شکل مردم‌سالار بنویسند، یکی از این دو روش را انتخاب می‌کنند. یا مجلس موسساتی انتخاب می‌کنند یا رأی مردم و این مجلس موسسان، نظام و قانون اساسی را تعیین می‌کنند یا به روش دوم قانون اساسی می‌نویسند. مثلاً شورای انقلاب با تأیید امر انقلابیون و آن قانون اساسی نوشته شده را به همه پرس می‌گذازند که مردم به آن رأی آری یا خیر دهند. در کشور ما مردم مجلس موسسان را انتخاب کردند. این مجلس کل متن قانون اساسی ماده به ماده حتی مقدمه، اصل به اصل، بند به بند را مورد بررسی قرار داد در قالب کمیسیون‌ها و در بررسی قانون اساسی و به‌طور صریح اعلام کرد در جلسات ابتدایی، خود را به هیچ وجه محدود به متن پیش‌نویس که از سوی دولت موقت ارائه و پیشنهاد شده، نمی‌داند. علاوه بر اینکه تغییرات بسیار اساسی و جدی در آن انجام دادند، متن پیش‌نویس قانون اساسی پیش از اینکه در دستور مجلس موسسان قرار بگیرد در جریان و رسانه‌های عمومی منتشر شد و در اختیار عموم مردم قرار گرفت. مردم امکان اظهار نظر درباره پیش‌نویس را داشتند. بیش از ۴۰۰۰ پیشنهاد از طرف مردم در اختیار تدوین‌کنندگان قانون اساسی قرار گرفت و این یکی از رکوردهاست که بیش از ۴۰۰۰ پیشنهاد مردمی در فرآیند تدوین قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفت. دیگر اینکه مشروع تمامی مذاکرات قانون اساسی به صورت زنده از رسانه‌ها منتشر می‌شد و روزانه رسانه‌ها به مباحث روز می‌پرداختند. این طور نبود که مجلس مصوبه داشته باشد و بعداً به اطلاع عموم مردم برسد. مثل مجلس امروز که به صورت علنی برگزار می‌شود و مشروع آن منتشر می‌شود، مردم روزانه در جریان مباحث مطرح‌شده در جلسات بررسی قانون اساسی بودند. یعنی فرآیند تدوین و تصویب متن قانون اساسی در مجلس بررسی قانون اساسی، به نوعی یک رکورد والگویی از مردم‌سالاری و جمهوری است که شعار و وعده آن در ایام انقلاب داده می‌شد تا اینکه متن قانون اساسی به تصویب رسید. نگاه ژرف حضرت امام خمینی باعث شد که متن قانون اساسی در همه بررسی روزی ۱۱ و ۱۲ آذر رأی مثبت درباره حدود ۹۹ درصدی مردم به تصویب رسید. حدود ۱۶ میلیون نفر در همه پرس، رأی آری دادند به متن قانون اساسی پس از تدوین. در نظام‌های پادشاهی گذشته هیچ‌کدام از اینها را نداشتیم، حتی نظام مشروطه که می‌خواست از نظام سلطنت مطلقه به نظام مشروطه حرکت کند. مجلس موسسان عمومی انتخاب نکردیم، بلکه منتخبانی که از سوی هیات حاکمه انتخاب شده بودند که به آنها معارف می‌گفتند، مثلاً تجار، کسبه، بازاری‌ها و روحانیون، توسط هیات حاکمه انتخاب شد و اینها منتخب مردم نبودند. منتخب هیات حاکمه بودند و متن قانون اساسی مشروطه را پیشنهاد دادند و تأیید هم‌اینو لازم‌الاجرا شد که این فرآیند اصلاح‌قابل مقایسه نیست با جمهوری اسلامی که تحولی در حکمرانی از منظر مردم‌سالاری در مرحله تأسیس حکومت بود.

نقش مردم در اداره حکومت پیش از انقلاب اسلامی

مرحله بعدی نقش مردم در اداره حکومت است که اشاره شد در حکومت پادشاهی نظام سلطنت موروثی بود و از پدر به پسر منتقل می‌شد. قانون اساسی مشروطه می‌گفت سلطنت ودیعه‌ای است که به موجب الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفروض شده است. پادشاه هم حتی همه قوانین را مطابق اصل ۲۷ باید توشیح می‌کرد. سلطنت مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی موروثی بود که از اعقاب ذکور بود. نکته مهم اینکه حتی پادشاه از هرگونه مسئولیتی‌میرا بود، یعنی مصونیت کامل در کشور داشت. هر جریمی و اقدامی از سوی پادشاه اتفاق می‌افتاد نظر قانون اساسی اصل ۴۴ دوره مشروطه اعلام می‌کند که شخص پادشاه از مسئولیت‌مبرا است. یعنی امکان تعقیب و رسیدگی به هیچ‌گونه از تخلفات و جرائم پادشاه وجود ندارد. مقایسه کنید همین را با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. طبق اصل ۱۷۷ قانون اساسی رهبر می‌مانند سایر مردم هیچ‌گونه مصونیتی در قبال جرائم ندارد. تنها حاکمان ممکن است فرآیند متفاوتی را طی بکنند به خاطر شرایطی که ممکن است برای آنها پرونده‌سازی و جرم‌سازی‌هایی انجام شود. پس که برای نمایندگان هست یک مصونیت تشریفاتی است و به این معنی نیست که نماینده جرمی انجام دهد و قابل رسیدگی نباشد. مقایسه کنید با مصونیت پادشاه از هرگونه تعقیب در قانون اساسی مشروطه. اغلب ارکان حاکمیت هم توسط شخص پادشاه انتخاب می‌شدند. نخست‌وزیر، وزیران، مقامات ارتش نهاد‌های ملی و... اکثر قریب به اتفاق مقامات، فرمانداران ایالات همگی توسط

علی بهادری جهرمی
سخنگوی دولت

عرض سلام و ادب خدمت شما همکاران بزرگوار. فرمودند جلسه همفکری همکاران دانشگاهی و من به‌عنوان یک همکار خدمت رسیدم تا با تاملی درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه حکمرانی و الگوی حاکمیت در خدمت شما باشم. ابتدا دهه فجر انقلاب اسلامی و ایام بعثت پیامبر اعظم اسلام را تبریک عرض می‌کنم. در باب دستاوردهای انقلاب اسلامی خیلی سخن‌ها می‌توان گفت. بحث، الگوی حاکمیت یا الگوی حکمرانی انقلاب اسلامی است و اینکه انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی از این منظر داشته و چه آورده‌هایی داشته و چه تغییر و تحولاتی در این حوزه اتفاق افتاده است. به این مسأله می‌خواهم از بعد داخلی و همچنین در انتهای بحث از بعد بین‌المللی اشاره‌ای کنم که انقلاب اسلامی چه دستاوردهایی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، هم برای مردم و ملت ایران در درجه اول و از بعد بین‌المللی برای جهانیان در درجه دوم به ارمغان آورده است. بنده سعی کردم ذیل شعار و آرمان اساسی انقلاب اسلامی یعنی شعار و آرمان استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی به این مسأله بپردازم. انقلابیون در انقلاب اسلامی وقتی انقلاب کردند شعار و وعده‌ای داشتند بر این مبنای که ما انقلاب می‌کنیم برای اینکه برای ملت استقلال و آزادی و به ارمغان آوریم. برای اینکه بتوانیم این دو را محقق کنیم باید نظامی مبتنی بر جمهوریت و نگاه اسلامی یا جمهوری اسلامی باشد و مردم به دنبال نظام حکمرانی و حکومتی بودند که بتواند آزادی و استقلال برایشان به ارمغان آورد. سعی می‌کنم ذیل همین سه شعار ارزیابی داشته درباره وضعیت حکمرانی در کشور. وضعیت حکمرانی از منظر استقلال و آزادی و جمهوری و مردم‌سالاری دینی در کشور ما بعد از انقلاب چگونه بوده است؟

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه جمهوریت

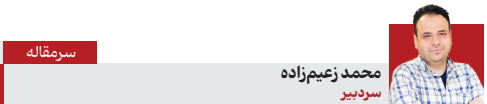
موضوع را از محور بحث جمهوری با مردم‌سالاری ورود می‌کنم. تا پیش از انقلاب اسلامی نظام‌هایی که در کشور ما استقرار داشتند غالباً نظام‌های پادشاهی بودند. تا پیش از انقلاب مشروطه، پادشاهی مطلقه بوده و پس از انقلاب مشروطه نیز پادشاهی مشروطه، یعنی مردم در نوع کلان نظام جایگاهی نداشتند یا اینکه پس از مشروطه که به آن خواهم پرداخت به‌عنوان یک عنصر فرعی و ثانوی در حوزه حکمرانی قلمداد می‌شدند. حکمرانی و حاکمیت متعلق به پادشاه و اعیان ذکور نسل بعد از پادشاه بود که حاکمیت را برعهده داشت و حاکمیت را خدا به پادشاه واگذار کرده بود و اگر می‌خواستند ظاهر مردمی به آن دهند می‌گفتند خدا از طریق مردم به پادشاه واگذار کرده و پادشاه و نسل او حکمرانی را برعهده دارند. یک منظر، منظر علم حضور و نقش آفرینی مردم در حاکمیت بوده است. منظر دیگر انتخاب نوع حکومت بوده که مردم در آن اثر و نقشی نداشتند و نمی‌توانستند نوع نظام خود را انتخاب کنند و حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یک حق بشری و انسانی را زانی توانستند تأمین و پیاده کنند. در دوره پهلوی به طریق اولی حکومت پهلوی به واسطه کودتای آرماد. صرف نظر از نوع نظام پادشاهی حکومت پهلوی سوال ایناست که چرا حکومت پهلوی مبتنی بر کودتای آرماد بوده و مصوبه‌ای اخذ شد برخلاف قانون اساسی و نظام پادشاهی را از خارج به تغییر داد. هیچ جای آن قانون اساسی چنین چیزی پیش‌بینی نشده بود و بعداً مشابه آن را در پهلوی داشتیم که اشاره خواهیم کرد.

نقش مردم در تاسیس نظام جمهوری اسلامی ایران

بد نیست به این نکته اشاره کنیم و توجه داشته باشیم، تنها همه پرس می‌کرد که در سطح جهان برای انتخاب نوع حکومت برگزار شده، همه پرس می‌انتخاب جمهوری اسلامی برای نوع حکومت کشورمان است. با آن مشارکت پرسشور، ۹۸ درصد مردم شرکت کردند و از این ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی رأی آری دادند. یعنی ۹۸ درصد مردم کشور آمدند و گفتند ما این نظام را می‌خواهیم. این نکته اول که در حرکت به سمت مردم‌سالاری، برگزاری همه پرس‌ها همگانی از همه مردم کشور بود. روز ۱۲ فروردین که این همه پرس برگزار شد تقریباً دو ماه بعد از آمدن امام از بیروزی انقلاب اسلامی بود. نکته مهم آن است که برخلاف عموم حتی نظام‌های مردم‌سالار که صرفاً برای رأی به قانون اساسی، مردم در همه پرس‌ها شرکت می‌کنند و رأی می‌دهند یا صرفاً مجلس موسساتی را برای تدوین قانون اساسی انتخاب می‌کنند، نظام جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها در اصل نظام‌ها، بلکه در هر دو مرحله، مردم در انتخاب نمایندگان در مجلس بررسی قانون اساسی و در رأی

تحلیلی بر نقدهای منتشرشده بر «نه به خاتمی، سلام به واقعیت»

توپ در زمین خاتمی است



۲۲ بهمن ۱۳۸۷ در دفتر مجمع روحانیون مبارز سید محمد خاتمی اعلام می‌کنند که آماده رقابت با محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ است. چند روز بعد میرحسین موسوی در حسینیه‌ای در جنوب شهر تهران اعلام می‌کنند او هم کاندیدا است. تردیدها برای خاتمی جدی می‌شود، او انصراف می‌دهد. ویژه‌نامه‌های نوروزی اصلاح‌طلبان که مزین به میزانشن خاتمی در حوالی پایستور است، شبانه جلد عوض می‌کنند. موسوی بعد از ۲۰ سال خانه‌نشینی به صحنه آمد و در نازی‌آباد از ولایت‌فقیه گفت که جلوی دیکتاتوری‌ها را می‌گیرد اما در عرض شش ماه تا «نه غزه نه لبنان» پیش رفت. موسوی ۲۰ سال خانه‌نشین بود. از زمستان ۸۷ تا زمستان ۸۹ به میدان آمد اما طوری سیاست‌ورزی کرد که دوباره ۱۳ سال خانه‌نشین شد. نوستالژی‌های تاریخی همیشه جوابگوی موضوعات امروز ما نیستند اما گاهی بازخوانی‌شان تلنگر می‌زند. خاتمی امروز از یک طرف در موقعیت بهمن ۸۷ است و از طرف دیگر در موقعیت اسفند ۹۰ که در دهه دوازده داد. گرفتار بین دو موقعیت ترازیک؛ کناره‌گیری‌ای که منجر به رادیکالیسم ۸۸ شد و رای مخفیانه‌ای که زمینه‌ساز انتخابات ۹۲ یا ۹۶ شد. بیانیه ۱۱۰ اصلاح‌طلب مشارکت‌جو امروز مسأله پیش‌روی خاتمی است.

۱۱۰ چهره دانشگاهی و رسانه‌ای جریان اصلاح‌طلب بیانیه شرافتمندانه‌ای صادر کرده‌اند. می‌توان درباره استدلال‌های آنها چون و چرا کرد و می‌توان به شکل جدی به ایده‌های آنها درباره روش‌های حکمرانی نقد داشت اما نمی‌توان عقلانیت و خیرخواهی و مینهن‌دوستی پشت این کنش سیاسی را ندیده گرفت. این بیانیه پاس گل خوبی است برای رفع انستاد سیاسی در بخشی از فضای سیاسی کشور. آقای خاتمی بعید است این واقعیت را نبیند و متوجه نشود، حالا او باید تصمیم بگیرد که اگر در بخشی از جامعه وجهه‌ای دارد و توانی برای اصلاح، آن را پای این بیانیه عقلایی خرج کند یا دستورالعمل‌های مخربی که از اوین می‌آید. او اینجا با دو سطح از چالش روبه‌رو است؛ چالش انتخاب بین یک کنش پشتوانه‌دار و مستدل و احتمالاً پرهزینه که احتمال شکست هم در آن کم نیست یا یک تصمیم غریزی و عافیت‌طلبانه و کم‌هزینه در کوتاه‌مدت و مخرب و پرهزینه در درازمدت. خاتمی باید تصمیم بگیرد به واقعیت سلام کند یا به تله فرمان رادیکالیسم صادرشده از جانب مصطفی تاجزاده بفتند. یک نقطه نزاع دیگر خاتمی، تصمیم‌گیری درباره خاتمی ۱۴۰۱ است. او در واقع ۱۴۰۱ با دو جریان رجوعیسم-پهلویسم و رادیکالیسم موسوی مرزبندی داشت. واکنش خاتمی به بیانیه تند موسوی مهم‌ترین کنش خاتمی ۱۴۰۱ بود. او حالا باید تصمیم بگیرد همان خاتمی ۱۴۰۱ باشد و به توصیه خودش عمل کند یا به خاتمی ۱۴۰۱ پشت کند و به کمپین بیانیه تند موسوی و تحریم‌طلبان اضافه شود. تصمیم امروز خاتمی ممکن است برای جامعه به اندازه سال‌های ۸۷، ۹۰، ۹۲ یا ۹۶ مهم نباشد اما اولاً برای بدنه اصلاح‌طلب مهم است. ثانیاً برای ثبت در تاریخ اهمیت دارد.